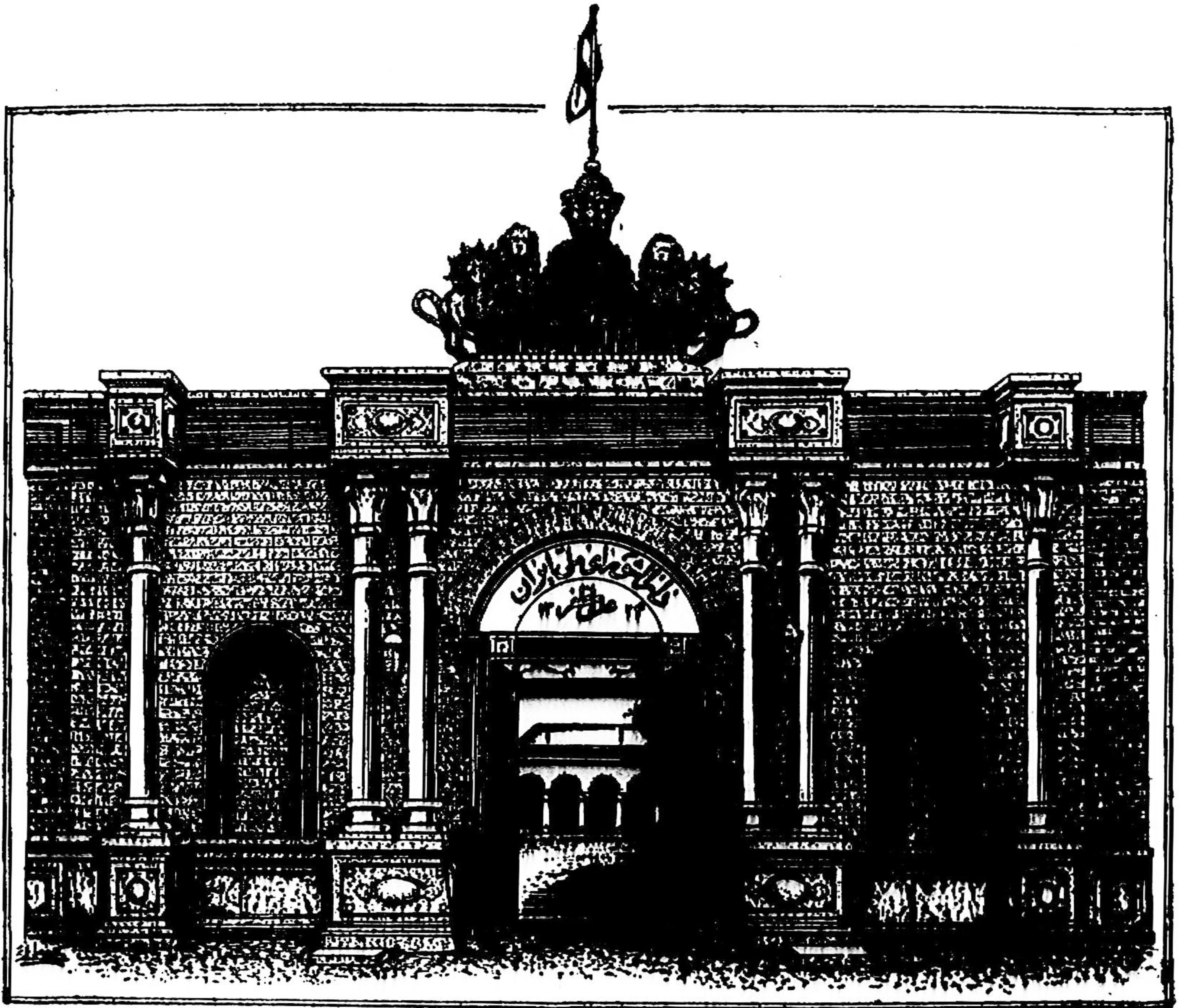


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۷۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۳۶</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۱۱ اسرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۵ صفر ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	شور دویم قانون سبجی احوال	۴۹۱۱	۴۹۲۷
۲	مذاکرات راجع بروضه خوانی در مجلس	۴۹۲۷	۴۹۲۸



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۵ صفر ۱۳۴۷

جلسه ۲۷۱

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : امیر حسین خان اباخان - امام جمعه شیراز
 دکتر طهری - سید ابراهیم ضیاء - میر ممتاز - مقدم
 نوینخت - میرزا عبدالله خان وثوق - آقا میرزا هاشم

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر
 بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید .)
 صورت مجلس بوم سه شنبه نهم مرداد را آقای
 دولت شاهی قرائت نمودند .

اشتیانی - بهبانی - طباطبائی و کیلی - نفعه الاسلامی - حاج آقا حسین زنجانی

غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان : محمد ولیخان اسدی - موقر - ذوالقدر - اعظمی - شریعت زاده - آقا علی زارع - میرزا محمد تقی طباطبائی - قوام شیرازی - مهدوی - امیر نیمور کلالی محمد تقی خان اسعد - محمد هاشم میرزا افسر - آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - حاج حسن آقا ملک - لبقواری - محمد راجح میرزا - فرشی - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک - ابراهیمی

دیر آمده بی اجازه جلسه قبل
آقای حاج میرزا حبیب الله امین
رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده مدنی بود کسالت داشتم و خیلی از آقایان نمایندگان محترم مسبقند و در صورت مجلس دیدم که بنده را غائب بی اجازه نوشته اند خوب است اصلاح فرمایند

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست (گفتند خبر)
رئیس - صورت جلسه اخیر چطور؟ (اظهاری نشد)

رئیس - تصویب شد
وزیر عدلیه - بنده میخواستم تقاضا کنم آقایان راجع به سجل احوال که شور اولش شده است موافقت فرمایند جزء دستور شود و تمام شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود (این طور خوانده شد)

پیشنهاد آقای فیروز آبادی - بنده پیشنهاد میکنم که شور دوم لایحه سد نیشابور قبلاً جزء دستور شود
رئیس - آن پنجروز فعلاً منقضی نشده . قانون سجل احوال مطرح است

مقصود بنده از مجریان قانون هیئت وزراء یا معارفین آنها نیست (مجریان قانون عبارت از همایان مأمورین کوچک هستند که سجل احوال را بیک صورت بدی انداختند که الان بیک جایی رسیده است که بنده تصور میکنم نه دولت و نه مجلس این قانون را نتواند اصلاح کنند برای اینکه یک دور معینی پیدا خواهد شد که باز ما مجبور میشویم این قانون را اصلاح کنیم و بمقیده بنده این دوره بدتر است برای اینکه مقداری اختیارات مطابق این قانون بدست مأمورین کوچک داده شده و البته اختیار تشخیص سن را دادند باین قبیل مأمورین خیلی مشکل است و خیلی غرض رانی و حقه بازیها از این چیزی که اینجا باسم اصلاح گنجانده اند خواهد شد و بمقیده بنده این یک عیبی است که افزوده میشود باین قانون و این وضعیت این قانون را مشکل تر خواهد کرد . این به تجربه رسیده است که بدی و خوبی قوانین بسته است بکسانی که اجراش میکنند . ما اگر یک قانون خیلی خوبی بنویسیم آن اشخاصی که میخواهند اجرا کنند اگر نیت خوبی نداشته باشند و بخواهند بیک استفاده های شخصی بکنند هرچور ما این قوانین را خوب بنویسیم آن نتیجه مطلوبی را که در نظر داریم نمیگیریم چون سوء نیت داخل در اجرای قانون میشود و این سوء نیت مربوط به آقایان وزراء و دولت نیست بلکه با آن مأمورین کوچک ماشینی است که در دست وزرای ما افتاده است این ماشین محبوب است هرکارش کند برام نمیرود . آنگاه خیال میکنید با اصلاح قانون آن ماشین را اصلاح میکنید . قانون عبارت از یک تکه کاغذ است و مرکبی هم در روی آن کاغذ است . این کاغذ و مرکب بی جان و بی روح است . هر قدر آقایان بخواهند قانون را اصلاح کنند فایده ندارد بلکه باید آن ماشین شکسته چموش را اصلاح کنند . آقای وزیر عدلیه مخصوصاً این قضیه را در این یکساله خوب امتحان کرده اند که با قانون و نظامنامه درست قضایا حل نمیشود اگر کافر اجرائی نکنند تصدیق خواهند کرد . حالاً بنده اینجا یک خطر دیگری می بینم و آن این است که ما آمدیم و در دوره پنجم این قانون را گذرانیم . حالا

در دوره ششم داریم تجدید نظر میکنیم باز در دوره هفتم محتاج میشویم به اینکه این قانون را اصلاح کنیم و آنوقت نتیجه اش این میشود که استحکام قانون از بین می رود . قانون استحکامش به این است که دوام و ثبات داشته باشد و دیگر اصلاً قوه مجریه و مردم اقدام نخواهند کرد به اینکه قانون اجرا شود و بالاخره اساس تشکیلات مشروطیت و تشکیلاتی که ما میخواهیم روی آن زنی کنیم سست و متزلزل میشود استحکام قانون منوط به اینست که دوام داشته باشد . یک مسئله دیگر هم هست که بنده اگر در موارد دیگر فرصت کردم بمرض آقایان میرسانم ولی در این جا هم مختصری عرض میکنم . این جا دو چیز لازم است که سجل احوال در این مملکت اجرا شود . اولاً از نقطه نظر اداری یک نفرات فراوانی لازم است که بتوانند این قانون را اجرا کنند . ثانیاً اقلایک بودجه که تقریباً دوسه ملیون باشد لازم است تا اینطور که نیت ما است این قانون اجرا شود و این نفرات را نه وزارت داخله دارد و نه وزارتحضای دیگر میتوانند بجهز بکنند و این نفرات را تهیه کنند و نه تهیه یک همچو بودجه برای ما ممکن است از آنطرف یک تکلیفاتی برای مردم قائل شده اند که مأمورین سجل احوال که بشهرها میروند بجهت بودجه نمیتوانند قانون را اجرا کنند زیرا بزور نمیشود این قانون را عملی کرد . مثل این است که بخواهند بگویند سنگ حرکت کند . البته سنگ بزور حرکت نمیکند . بی سواد بزور با سواد نمیشود . هی قانون حکم کند . امنیت نه نفعک بزود ، بالاخره هیچ فایده ندارد در دهات ایران اگر یک کدخدایی باشد که سواد داشته باشند سواد یک کاغذ نوشتن حسابی را ندارند آنوقت یک تربیاتی برای مردم قائل شده اند که اینها هیچ نمی فهمند و کیج می شوند البته این وضعیت سواد لازم دارد و از اول هم درست این کار را اصلاح نکردند که مأمورین سجل احوال بدانند چه کنند خود مأمورین سجل احوال از این ستونهای دفترها سر در نمی آورند چه رسد ب مردم ! حالا میبینم سر این

ماده اینجا میگوید: بعد از یکسال بعد از تصویب این قانون و تاسیس دفتر سجل احوال... التفات فرمائید اگر در يك ولايت كه خيلى كم جمعيت است ولى وسعتش زياد است مثل بزد و كرمان كه حقيقه اگر ما بخواهيم تمام كرمان را گردش بكنيم تا يكسال موفق نميشويم آنوقت چگونه ميشود اين قانون را در آنجاها در يكسال عملى كرد؟ ما قوانين را براى مملكت وضع ميكنيم براى طهران تنها كه بيست براى تمام مملكت است و بالاخره ما بايد قانون را روى يك اصولى وضع كنيم كه اجرا شود يعنى مساوات داشته باشد و الا با اين طريق قانون اجرا نميشود و به اين ماده ها هم اصلاح نميشود آنوقت زحمت زيادتر براى قوه مجريه است ما و كلا هم عصبانى ميشويم كه چرا قانون اجرا نشده اين است عرابض بنده بطور كلي و در مواد عرابض خود را عرض خواهم كرد

وزير عدليه - البته آقاى بان متوجه به تنگى وقت مجلس هستند اگر بنده راجع به كليانى كه صحبت كردند جواب ميدهم براى اين است كه عين مذاكرات و ابرادات تكرر نشود و بالاخره جوابهاى بنده هم همین است. ميگويند اين قانون را كه ما آورديم براى اصلاح در مقدمه آن چيزي تدبيرند كه بگويد چرا اصلاح شده و دلائلش چه بوده است. راست است مقدمه مفصل نبود وليكن آقا ممكن بود يك كار ديگرى بكنند يعنى مقابسه بين اين قانون با قانون سابق بكنند و به بينند مواد آنها با هم چه تفاوتى دارد و من جمله اغلب اصلاحات راجع به سن شده است. چون مردم بعد از اينكه آمدند و ورقه را گرفتند تازه ميبانند و سر سن دعوى ميكنند كه من خودم ورقه نگرفتم پدرم هم نبود همسايه من آمده بود و براى من ورقه گرفته بود بابت جهت سن من القدر بيست در اينجا ما تكليف اشخاص را معين كرديم (باستثنای زنهایی که تكليفشان معين شده) كه بايد بيايند ورقه بگيرند حالا اگر يك كسى خواست از طرف ديگرى بيايد ورقه بگيرد يا بايد قيم صغير باشد يا ولى صغير باشد. اينها از براى اين است كه آن اختلافات رفع شود

ابن ها يك قسمتهاى مهمي است كه ملاحظه ميفائيد يكى راجع مرور زمان است چنانچه ملاحظه ميكنيد مرور زمان را براى دعواى سن قائل نشده بودند و بالاخره قضيه يك روزى بايد قطع شود. يك كسى كه امروز هشت سالش است ميگذارد براى آن روزي كه سنش ميرسد به بيست و يكسالگى و موقع سرمازي او است تازه آنوقت بناى اعتراض را ميگذارد بالاخره در اينجا مرور زمانى كه قائل شده اند اين است كه در ظرف دو ماه اگر اعتراضى دارند بگويند و اگر درست دقت فرمائيد ملاحظه ميفرمايد اين قانون چه تغييراتى دارد. حالا چنانچه ملاحظه ميفرمايد كه عيب اصلي در قانون بيست و در اجرائى قانون است. بنده هم كاملاً تصديق دارم و البته براى اين قسمت هم يك تغييراتى در نظر گرفته شده ولى از براى اينكه بتوانند قانون را هم يك كاري بكنند كه بيشرفت كند آمدند و اصلاح كردند من جمله همین مسئله كه شخص خودش بايد برود سجل احوال بگيرد. مسئله ديگر اين است كه در هيچ جاى دنيا آقاى بان تصور نكنند كه مأمورين دولت بدون استثناء متقلب نيستند. خير همه جا مأمور متقلب هست بنده هم تصديق دارم و در قسمت سجل احوال هم بهمان دلايلى كه ما اين قانون را آورده ايم كه تجديد نظر شود مأمورين خيلى كارهاي خلاف كرده اند و نا اندازه كه وسائل اجازه ميداده است يك پيش بينيهاى شده است كه مأمورين اگر خلاف كردند مجازاتشان كنند و بالاخره چيزى كه اين مملكت را بايد اصلاح كند مجازات است بطور مستمر يعنى بعد از آنكه يك مدنى مردم عادت كردند و ديدند كه اگر خلاف كردند فوراً مجازات ميشوند اين خلاف كارها از بين ميرود. پس وقتى كه واقعاً يك مأمورى ديد كه اگر تخلف كند گير مى افتد و مجازات ميشود البته تخلف نميكنند و مرور اخلاف ادارى و مملكتى تغيير پيدا ميكنند و در قسمت اشكالى كه كردند كه اگر بنا باشد ما قانون دوره پنجم را بياوريم در اين دوره اصلاح كنيم به حيثيت قانون

بر ميخورد. بنده خيال ميكنم كه حسن قوانين بشرى اين است كه متصل در عمل و تجربه باشد و هر جايش را كه ديدند عيب دارد فوراً بياورند و اصلاح كنند و در تمام ممالك دنيا هم اين كارها ميشود و اينها يك چيز هاى بيست كه مخصوص بشما باشد و اينكه راجع به كدخدا فرمودند. بنده هم ميدانم كه كدخدا بى سواد است. ما هم نخواستيم كه او را با قانون يا سواد كنيم. ما چيزى كه از او خواستيم اين است كه اگر فلان مسئله اتفاق افتاده است. عقدي يا طلاق واقع شده است اين را اطلاع بدهد. در اين قسمت هم يك پيش بيني هاى شده است كه اين مقصودم تا عين ميشود و اما اينكه راجع به حوزه ها اظهار كردند كه اين يكسالى كه مدت معين شده است كم است و چگونه ميرسند؟ بلى اگر كرمان را شما حوزه سجل احوال بگيريد كاملاً حق باشما است. چون ممكن نيست ولى حوزه هاى سجل احوالى كه دارند درست ميكنند خيلى حوزه هاى كوچكى است و بالاخره بايستي بكفدرى هم تأمل كنيد و نتيجه را به بيشيد. بنده عرض ميكنم رسيدگى و تغيير قانون اصلاح قانون وقت در اصلاح قانون نتيجه خودش را ميدهد و نتيجه خوب هم خواهد داد. حالاً هم مساعدت فرمائيد و بگذاريد. اين ماشين چموش شكسته را هم (بنده اصطلاح خودتان را عرض ميكنم) اين ماشين چموش را هم بتدريج بايد اصلاح كرد و اميدواريم كه در ضمن عمل اصلاح شود.

جمعى از نمايندگان - مذاكرات كافي است

آقا سيد يعقوب - بنده مخالفم

رئيس - فرمائيد

آقا سيد يعقوب - در اينجا بعضى اصلاحات درست شد يك كلمه باقى ماند. چون بنده خودم پيشهاد كرده بودم خواستم اين را هم اگر آقاى بان موافقت فرمائيد اصلاح شود و آن راجع به اين است كه نوشته است سن آنها هفده سال. بنده پيشهاد كرده بودم كه بيست سال باشد چون غالب قوانين كه از مجلس گذشته است مراعات

هيچده سال و بيست سال شده است از اين جهت بنده عرض كردم مذاكرات كافي نيست

رئيس - آقاى رفيع

حاج آقا رضا (رفيع) نماينده محترم خود شانه تصديق ميفرمايند كه اين مسئله مربوط بكفابت مذاكرات نبود. اين منظور هم خيلى خواست پيشهاد فرمائيد در موقع پيشنهادات مذاكره فرمائيد و البته موافقت ميفرمايند و قبول ميشود

رئيس - آقاى بان بگه مذاكرات را كافي مى دانند قيام فرمائيد

(اغلب قيام نمودند)

رئيس - اكثريت است. پيشهاد آقاى استرابادى

(بمضمون ذيل خوانده شد)

در ماده اول كلمه پس از تشخيص صحت تبديل شود بکلمه مطابق

رئيس - آقاى استرابادى

معتضد استرابادى - همانطور كه فرمودند غالباً قانون از موقع نوشتن خوب نوشته ميشود. البته يك قانونى كه از نظر چنددين نفر ميگذرد خيلى بندرت بد ميشود ولى در موقع اجرا فوق العاده اسباب زحمت مردم ميشود چنانچه غالب از قوانين همينطور است. اين جا بنده خيال ميكنم در اين ماده كلمه (پس از تشخيص) يك كلمه است فوق العاده كثر. دار و بسط بدى. مأمورين سجل احوال ميدهد كه در واقع اختيار نامه صدور ورقه را از حيث سن وسار چيزها را گذار ميكنند مأمور سجل احوالى كه بيست و پنجتومان حقوق ميگيرد. البته يك مأمور سجل احوالى كه با بيست و پنجتومان حقوق به يك محلى ميرود وقتى تا اين اندازه اختيار داشته باشد كه بطور كلي تشخيص او حجت باشد صلاح نيست. اين جا دارد پس از تشخيص صحت اظهارات اظهار كننده. يعنى آن مأمور سجل احوال بايد تشخيص كند كه اين راست است (تشخيص صحت) معنائش اين است اما اگر تبديل شود بکلمه (مطابق) بهتر است و با اينكه در مواد بعد

دارد که در مواقع اختلاف ارجاع میشود به عدلیه معذک بنده تصور میکنم این اندازه بسط بدادن مأمور سجل احوال صلاح نیست و اگر قدری کتر شود برای حال مردم بهتر است که نوشته شود مأمورین سجل احوال مکلف هستند مطابق اظهار اظهار کننده ورقه صادر کنند حالا خواهند فرمود که این همان قانون سابق است صحیح است ولی بنده معتقدم این کله تشخیص صحت اسباب زحمت فوق العاده برای مردم میشود.

وزیر عدلیه - در این موضوع خیلی بحث و مذاکره شده چه قبل از اینکه قانون تقدیم مجلس شود و بعد از تقدیم به مجلس هم در کمیسیون با آقایان نمایندگان کاملاً مذاکره شد ولی اگر ما این کله را برداریم هر عبارتی بگذاریم مطابق اظهار اظهار کنندگان نتیجه این خواهد شد که تمام اشخاصیکه زردبک سن سربازی هستند کاری میکنند که معاف شوند و مردم را وادار بدروغ گفتن میکنند و مقصود اصلی هم حاصل نمیشود اولاً اینجا بطور قطع خدمتتان عرض میکنم که تشخیص قطعی نمیشود داد نه در محکمه نه آقا نه بنده. فقط خود آن آدم اگر تاریخش را بداند میکوبد و الا طور دیگر نمیشود. پس اگر واقعاً يك آدم بیست ساله آمد و گفت من چهل سال دارم این را خوب میشود تشخیص داد بعلاوه راه دارد يك مرجع دیگری هم از برای رسیدگی هست تازه وقتی که بد تشخیص شد چه ظلمی شده است؟ برای اینکه اگر این قانون پنجسال قبل وضع شده بود این آدم بیست و پنجساله میبایستی سرباز بشود و داخل نظام شود چه خواهد شد اگر این آدم حالا دو سال خدمت نظامی کند؟ فرضاً اگر قدری اشتباه شده باشد و قانون سخت تر وضع شده باشد و بر علیه آن شخص باشد تازه چه کفری است؟ بنا بر این خوبست آقایان موافقت فرمایند و شمارا هم یقین دارم که میل ندارید وضعیت سرباز گیری بهم بخورد پس بهتر اینست موافقت فرمایید با آن چیزی که از نقطه نظر ضرورت خودتان را محتاج میدانید. عرض کردم که اگر ما راه دیگری داشتیم که

هم مقصود تأمین میشود و هم نظر آقایان رعایت میشود البته آن را در نظر میگردیم ولی در کمیسیون هم با آقایان مذاکره کردیم و همه نوع مساعدت هم شد ولی غیر از این راهی پیدا نکردیم
رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفر قیام نمودند)

رئیس قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای فیروز آبادی:
بنده پیشنهاد میکنم که لفظ پس از تشخیص صحت اظهارات اظهار کننده حذف شود.
فیروز آبادی - قانون گذار باید اسباب آسایش مردم را فراهم نماید که اگر تمام مردم را نمیشود لا اقل اکثر آنها را در تحت قانون در آورد و باید قسمی کرد که آن قانون منتج نتیجه شود نه اینکه اسباب زحمت و اشکالات بشود باین ملاحظه بنده اینجا می بینم که اگر اختیار تشخیص به مأمور سجل احوال واگذار شود یعنی اظهارات اظهار کننده را او بپذیرد کند و اگر قبول نکند آن اظهارات از بین میرود و این همه روزه اسباب زحمت هم بجهت رؤسای این اداره فراهم میشود و هم بجهت مردم. باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم و فرضاً يك دوره دو دوره اختلافی پیدا شود در دوره های بعد دیگر اختلاف پیدا نمیشود و معتقدم که این لفظ حذف شود و همان اظهارات اظهار کننده کافی است و باید بآن ترتیب اثر داد و اگر ضرری هم داشته باشد يك دوره دوره بیشتر نیست و کم کم رفع میشود و مردم را يك مرتبه مانوس کردن و داخل کردن در این قانون اسباب زحمت خواهد شد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم باید فکر کنند که تشکیل مجلس شورای ملی و دولت تمام اینها برای رفاهیت مردم است آنها می نشینند و بالاخره تصمیم می گیرند که قانونی وضع کنند برای آسایش مردم و اول نقطه که اسباب آسایش مردم است نظام

است و هیچ محل انکار برای احدی نیست وقتی جنبه ای این مسئله را اقرار فرمودید نباید رای بدهید که مردم دیر تر از این نعمت متنعم شوند و این قانون برای آسایش مردم است روح مملکت باین کار محتاج است فرد فرد ایرانی مکلف است که برای استقلال مملکت این خدمت را استقبال کند و من مخصوصاً از آقا استدعا میکنم مراجعه فرمایند بقوانین اسلام و به بینند چه درجانی برای این اشخاص که وطن را حفظ میکنند معین کرده آقا میفرمایند يك قدری خوب است مسامحه کنیم. با يك قدری کار مملکت درست نمیشود بایستی مردم عادت پیدا کنند. پسر بنده، پسر آقا، افراد ما همه باید باین لباس در بیائیم و بالاخره مملکت را آباد کنیم
رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در تبصره ماده اول این کله اضافه شود محتاج به تشخیص نخواهد بود

آقا سید یعقوب - اینجا در ماده اول آقای مخبر پیشنهاد کردند يك کله تبصره زیاد شود و آن تبصره عبارت از این بود که زنها شخصاً با بوسیله وکیل ثابت الوکاله ورقه هويت خواهند گرفت اینجا بنده پیشنهادی کرده ام برای توضیح این مطلب است که این تبصره مربوط به ماده نیست و آن مسئله تشخیص شامل این تبصره نیست باین معنی که اعضاء اداره حق مداخله کردن در احوال زنها ندارند که مشخص آنها واقع شوند. بمجرد اینکه خود زنها آمدند و يك مسئله را در اداره سجل احوال اظهار کردند اداره مکلف است اظهارات آنها را تصدیق کند که آن مفهوم سابق ماده که اعضاء اداره مشخص در حال زنها باشند واقع نشود حالا اگر این توضیحاتی که داده شد کفایت میکند بنده پس میگیرم و اگر

خبر اصرار دارند که خیر باید مأمورین در حال زنها هم مشخص باشند بنده جداً پیشنهاد خودم را تمقیب میکنم.

احتشام زاده (مخبر کمیسیون داخله) - این تبصره که بنده پیشنهاد کردم اضافه شود برای تأمین آن نظری بود که دولت هم با آن نظر موافق بود و بهمان دلیل برای اینکه سوء تفاهم نشود يك تبصره در قسمت آخر ماده اضافه شد یعنی در قسمت ذکور مأمور باید تشخیص بدهد و بنویسد ولی در قسمت انات این طور نیست خود زنها سن خود را باید معین کنند. و ما این دو قسمت را برای همین از هم جدا کردیم و دیگر ذکر این مطلب لازم نیست و مخصوصاً با توضیحاتی که از طرف دولت دارم دیگر موردی ندارد.

آقا سید یعقوب - بنده چون مقصودم همین بود و تأمین شد مسترد میدانم.

پیشنهاد آقای مدرس:

پیشنهاد میکنم بعد از لفظ اظهار کنندگان اضافه شود نقیاً و اثباتاً از ادله موجوده که در صورت مجلس ضبط خواهد بود

مدرس - این جانوشته شده است که تشخیص اظهارات با مأمورین سجل احوال است یعنی شخص هر اظهاری کرد صحت و سقم او بنظر مأمورین سجل احوال است که اگر مأمور سجل احوال آنها را صحیح دانست فیهما و اگر هم ندانست فیهما. بنده اینجا اضافه کردم که این رأی مأمور سجل احوال در تصحیح و تسقیم باید از روی ادله موجوده مضبوطه در صورت مجلس و دوسیه مربوطه بکار باشد. این درست نیست. چرا درست نیست؟ نه ملائکه میدانند نه خدا. یا درست است. چرا درست است؟ اجنه میدانند و شیاطین و خود او. اما اگر از روی ادله موجود باشد که در صورت مجلس است و تصحیح و تسقیم بآن دلیل باشد اگر آن شخص رفت و شکایت کرد از مأمور سجل احوال که مأمور بیخود گفته ادله که مستند بآن است در هر محکمه اظهار شود رفع غائله میشود و هکذا مسئله طرفین.

حالا عبارتی را که بنده عرض کردم مقید بآن نیستم و اگر بخواهند تغییر بدهند بنده مخالف نیستم ولی مطلب من این است که آن مسئله که متعلق بطرفین است باید مستند بیک ادله باشد که آن ادله مثبت دعوی باشد و در وقت دعوی اگر ادله نباشد شاید که هر دو بزحمت بیفتند بنا بر این باید برای آن محکمه که در آنجا شکایت میشود راهی باشد که اصلاح کند. اصل مسئله که بنده پیشنهاد کردم این است حالا اگر برای آن بک عبارت بهتری باشد ساخت مخالف نیستم و اگر قبول دارید اصل مطلب را عبارتش را درست کنید. لابد مسئله دوسیه دارد صورت مجلس دارد باید دلیل آن تصحیح و تسقیم در آن ذکر شده باشد.

وزیر عدلیه - بکمرنبه دیگر بخوانید

(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - بیانی که آقا فرمودند مطلب را روشن کرد و همانطور که اجازه دادند در عبارت اگر تصحیحی بکنیم بهتر است یعنی مقصود آقا این است که وقتی مأمور میگوید من اینطور تشخیص دادم و طرف گفت من من کتر یا بیشتر است دلایل طرفین در آن صورت مجلس ذکر شده باشد. الان عبارتش را همین طور اصلاح میکنم ممکن است اگر پیشنهاد دیگری هست خوانده شود تا این را اصلاح کنم

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(مضمون ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بنده پیشنهاد میکنم

تبصره - اشخاصی که در خارجه مقیم هستند برای دریافت ورقه هویت اقرباء نزدیک ایشان در ایران و اگر نداشته باشند توسط سفارتخانه ایران تقاضای صدور ورقه هویت خواهند نمود.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - مقصود از این پیشنهاد بک تذکری بود اگر آقای وزیر داخله صلاح میدانند این مطلب در این قانون نوشته شود. گر چه در قانون بک قسمتی هست که

کننده با دلایل مأمور باید قید شود. وقتی که اختلاف نیست دیگر چرا نوشته شود؟

مخبر - این قضیه مسلم است که اگر چنانچه بین اظهار کننده و مأمور اختلافی نباشد چیزی قید نمیشود این قضیه مربوط است بموردی که بین مأمورین سجل احوال و اظهار کننده. اختلافی حاصل شود یعنی مأمور بک طور تشخیص میدهد و اظهار کننده طور دیگر در آن مورد بایستی دلایل ومدارک طرفین در دوسیه ضبط شود که بعد بتوانند رسیدگی کنند.

رئیس - ماده با اصلاحاتی که شده قرائت میشود و رأی میگیریم.

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده اول - پس از تصویب این قانون و انقضای مدت یکسال از تاریخ تصویب این قانون و تاسیس دفتر سجل احوال باید در هر حوزه سجل احوال کلیه ساکنین آن حوزه دارای ورقه هویت باشند اشخاص ذکوری که سن آنها بیش از هفده سال است باید شخصاً برای اخذ ورقه هویت بمأمورین سجل احوال مراجعه نمایند. مسئول اخذ ورقه هویت صفار ولی خاص (پدر جد پدری یا وصی منصوبی که وصایت او مسلم باشد) یا قیم صغیر است مأمورین سجل احوال موظف هستند پس از تحقیق صحت اظهارات اظهار کنندگان ورقه هویت صادر نمایند

تبصره اول - زنها شخصاً یا بوسیله وکیل ثابت الوکاله ورقه هویت خواهند گرفت.

تبصره دوم - دلایل و مدارک مأمورین سجل احوال بر تشخیص خود و دلایل ومدارک اظهار کننده باید در صورت مجلس قید و در دوسیه ضبط شود.

رئیس - در فقره پیشنهاد دیگر است که باید تکلیفش معلوم شود.

پیشنهاد آقای عراقی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده....

عراقی - مال ماده هشت است

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ ثابت الوکاله حذف شود.

رئیس - بفرماید

فیروز آبادی - عرض کردم ما باید رعایت کمال آسایش مردم را بکنیم این لفظ ثابت الوکاله اسباب زحمت است این شخص بک ورقه می آورد و میگوید من وکیل هستم از طرف فلان شخص خوب اگر مأمورین سجل احوال خواستند تولید اشکال کنند که نو وکیل نبستی تکلیف چیست؟ این باید برود در بک محضر شرعی یا عرفی وکالت نامه بگیرد بنده عقیده ام این است که دو کلمه آن شخص بخط خودش بنویسد کافی است و این لفظ ثابت الوکاله اسباب زحمت است و بهتر این است حذف شود و اگر میدانند نیست بنده حرفی ندارم

وزیر عدلیه - هیچ اسباب زحمت نیست مقصود وکالت ثابت مسلم است شما هم که موافقید پس بگیرید

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - مسترد میکنم

رئیس - رای میگیریم بماده اول بطوریکه قرائت شد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۲ - پس از یکسال فوق کلیه مأمورین مملکتی موظف میباشند در مواقع صدور کلیه اسناد رسمی (از قبیل حکم انتصاب بخدمات مملکتی و تعرفه انتخابات و جواز اسلحه و تذکره) و در موقع مراجعات اشخاص بمحاکم عدلیه و ادارات مملکتی (برای تقاضای ثبت اسناد و املاک و پذیرفته شدن در مدارس و امثال آن) ورقه هویت مطالبه نمایند والا مشمول مجازات مصرحه در فقره ۳ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری خواهند بود.

تبصره - محاکم عدلیه میتوانند در امور فونمی ورقه هویت را شرط قبول عرضحال قرار دهند ولی پس از ده

روز از تاریخ تقدیم عرضحال هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هوبت تحصیل نکرد از رسیدگی خود داری نمایند مخبر - اصلاح مختصری در آخر تبصره خواهد شد باین ترتیب: هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هوبت تحصیل نکرد از رسیدگی خود داری خواهند کرد (اینطور میشود هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هوبت تحصیل نکرد تا موقع تحصیل ورقه از رسیدگی خود داری خواهند کرد

رئیس - آقای باستانی
باستانی - موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - موافقم
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا تذکره که ارائه میدهند برای سجل احوال در وقتی که شخص در شهر باشد یا در دهاتی که سجل احوال باشد اشکالی ندارد اما آمد و شخص در سفر بود و ورقه سجل احوال را کم کرد تذکره هم که گرفت کم کرد. آنوقت این شخص مسافر در حین سفر در آن بیابان چه کند؟ بنده عقیده دارم در این امورات باید قانون گذار افراد ضعیف را در نظر داشته باشند که اگر شخصی در بیابان گیر کرد خواست عبور کند بیک مرتبه او را از الاغش باین نکشند و بگویند برو خانه ات برای اینکه ورقه سجل احوال نداری، تذکره ات هم کم شده بنده تصور میکنم بهتر این است که لفظ تذکره حذف شود و اظهار ورقه هوبت در مورد جواز و تذکره استثناء شود چون بعضی اوقات در مسافرت خیلی اسباب زحمت میشود زحمت در سفر هم غیر از زحمت در حضر است. لابد آقایان گرفتار شده اند. باین ملاحظه بنده مخالفم

وزیر عدلیه - خیلی متأسفم با اینکه این ماده خیلی روشن بود آقا مخالفت کردند. در اینصورت ممکن است هر کسی بیاید بگوید من آنچنان کسی هستم که تذکره داشتم و سجل احوال داشتم ولی حالا کم کرده ام. بنده عرض میکنم آقا هم موافقت فرمائید و موارد نادره را

در نظر نگیرید که تکلیف مردم و مأمورین دولت معین شود

جمعی از نمایندگان - مذاکره کافی است
رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ (و تذکره) از این ماده حذف شود و استثناء هم بشود یعنی در جواز تذکره عبور اظهار ورقه سجل احوال شرط نیست.

رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - بنده توضیح را دادم
مخبر - بسته بنظر مجلس است
رئیس - رأی میکنم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دو سه نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای فرمند:
بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده اضافه شود.
تبصره ۲ - وزارت داخله مکلف است که قانون و نظامنامه سجل احوال را بجائی در تمام دهات منتشر سازد
رئیس - آقای فرمند.

فرمند - در این ماده نوشته شده که بعد از یکسال در تمام دوائر دولتی بدون سجل احوال کاری را قبول نخواهند کرد در صورتیکه دولت این منظور را دارد باید مردم را در دهات مطلع کند. در شهرهای ما اغلب روزنامه نیست که مردم بدانند قوانین جدید پیدا شده است یا قانون را اصلاح کرده اند و حالا باید اطاعت کنند آنوقت اسباب نارضایتی مردم میشود که البته قوه مقننه و مجریه میل ندارند پس بهتر این است که این مخارج گزافی که در وزارت داخله میشود بک مقداری هم مکلف باشند خرج کنند و این قانون را طبع کنند و افلا در هر ده بک ورقه بفرستند بتوسط مأمورین امنیه و غیره که مردم تکلیف خود را بدانند و الا در بیست فرسخی شهر اسباب زحمت و اشکال برای

این قبیل اشخاص اولیاد میشود چون هیچ وسیله اطلاع برای آنها فراهم نیست و بهتر این است که وزارت داخله به بک ترتیبی ساکنین دهات را مطلع کند.

وزیر عدلیه - عرض کم این بچند دلیل عملی نیست خرج زیاد دارد بدرد مردم هم نمیخورد بواسطه اینکه هر کس با حکومت یا بک جائی کار داشت می بیند باید ورقه هوبت داشت و برود ورقه را بگیرد بعلاوه وقتی که در بک حوزه مامور آمد خودش را معرفی میکند و مردم هم اطلاع پیدا میکنند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
پیشنهاد میکنیم کلمه تعرفه انتخابات حذف شود
رئیس آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا بک مجازاتی برای مأمورین دولت قائل شده اند یعنی اگر کسی ورقه سجل احوال نداشته باشد فردا اعضاء انجمن نظار باو تعرفه انتخابات نخواهند داد اگر دادند آنوقت اعضاء انجمن مجازات خواهند شد؟ چون آن مجازاتی که برای مأمورین دولتی قرار داده اند شامل اینها نمیشود برای اینکه اعضاء انجمن جزو مأمورین دولتی نیستند که مسئول ماده ۳۸ قانون استخدام بشوند برای اینکه آنها منتخب از طرف مردم هستند. لذا بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر - گمان میکنم این وظیفه برای حکومت است. برای اینکه انتخابات نحت نظارت حکومت در جریان است در اینجا اگر چنانچه وظیفه معین میشود برای حکومت است ولی البته اعضاء انجمن خودشان را مکلف میدانند که اگر کسی ورقه نداشت تعرفه ندهند.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را.....
آقا سید یعقوب - استرداد میکنم

پیشنهاد آقای ملک مدنی
پیشنهاد میبایم مدت یکسال در ماده ۲ بدو سال تبدیل شود.

ملک مدنی - بعقیده بنده منظوری که دولت داشته در ماده اول ناهین شده یعنی آن ترتیبی که اشخاص باید دارای ورقه سجل احوال باشند در آنجا در نظر گرفته شده و ضرری ندارد که در ماده دوم بک قدری تسهیل شود برای اینکه قطعاً در مدت یکسال در تمام نقاط مملکت این اداره سجل احوال نمیتواند توسعه پیدا کند فردا مردم در دهات در صلحیه هائی که خود آقای وزیر عدلیه با بک زحمتی تشکیل کرده اند کاردارند آنوقت اگر رئیس صلحیه در صورتیکه اینها ورقه سجل احوال نداشته باشند قبول کند بر خلاف قانون رفتار کرده است و اگر قبول نکند آن بیچاره که میخواهد رفع بدبختی خودش را بکند اصلاً در آنجا اداره سجل احوال نداشته است که او مراجعه کند. لذا بنده این پیشنهاد را برای تسهیل حال این قبیل اشخاص کردم و در مدت دو سال هم قطعاً دولت موفق میشود در تمام مملکت اداره سجل احوال را تأسیس کند

وزیر عدلیه - بنده نمنا میکنم آقا موافقت فرمایند با بک سال چون عرض کردم تکلیف در موقعی ایجاد میشود که سجل احوال دائر شده باشد و نازه آن بدبخت که می خواهد مراجعه کند همه انفقات فوری برایش اتفاق نیافتد و اگر هم فوری باشد عرضحال او را قبول میکنند و ده روز بهش مهلت میدهند که برود ورقه را بگیرد بیاورد بعلاوه ماها عادت داریم کارها را میگذاریم برای دم آخر. دو سال هم که بشود آن آدم تنبل میگذارد برای آخر دو سال.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده دوم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم هر شخص باید برای خود اسم مخصوصی انتخاب کند زوجه و کلیه اولاد و احفاد ذکور آن شخص و همچنین کلیه اولاد و اطفال اناث او مادام که شوهر اختیار نکرده اند بان اسم مخصوص که نام خانوادگی است موسوم خواهند بود بنا بر این هر کس دارای اسمی خواهد بود مرکب از نام خانوادگی و نام شخصی مثلاً: (محمود کامران) بفرض اینکه محمود نام شخص و کامران نام خانوادگی باشد و اولاد يك خانواده که در تحت کفالت نیستند میتوانند اگر میخواهند اسم خانوادگی علیحده برای خود انتخاب نمایند

تبصره ۱ - اساسی خانوادگی پس از ثبت در دفتر سجل احوال هر حوزه سجل احوال مخصوص اشخاصی است که بنام آنها ثبت شده است و دیگری حق اختیار آن اسم را در آن حوزه ندارد مگر با رضایت کسی که اول آن اسم را بعنوان نام خانوادگی خود ثبت کرده است .

تبصره ۲ - هیچکس حق ندارد اسم خانوادگی شخص دیگری را در حوزه سجل احوالی که آن اسم ثبت شده اسم مؤسسه تجارتخانه یا عنوان تلگرافی خود قرار دهد ولی شعب تجارتخانه در سایر نقاط اسم مرکز اصلی را استعمال میکنند ولو اینکه شخص دیگری اسم مزبور را در محل تاسیس آن شعبه قبلاً برای نام خانوادگی خود ثبت کرده باشد .

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده در کمیسیون هم این مذاکره را کرده بودم حالا باحفظ این حق خودم اینجا عرض میکنم غالب آقایان تجربه دارند که اسم فامیل محسنانی دارد ولی بشرط اینکه از يك عیب مصون بماند و آن عیب این است که اشخاص بد پسندی که آن نام شرارت و بداخلاقی میکنند عابد بجامعه میشود بعقیده بنده باید هر کس اسم فامیل علیحده داشته باشد ولو به ترکیب کلمات باشد

شده اند و نام خانوادگی انتخاب کرده اند شخص دیگری هم نام دیگری را انتخاب کرده ولی باسم شخص اولی و شهرت اولی استفاده میکنند و این در حکم اغفال است و بر خلاف واقع و بنظر بنده لازم است در این ماده این قسمت هم نامین شود و لذا بنده پیشنهادی خواهم کرد و خوب است آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند وزیر عدلیه - در موقعی که پیشنهاد دادند بنده جواب عرض خواهم کرد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم جمله (آن حوزه) از تبصره يك حذف شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - ایرادی که آقای وزیر عدلیه فرمودند بنظر بنده وارد نیست . میفرمایند اگر کسی در سنکلیج سجل احوال گرفت نمیتواند نگاه کند به بیند که در تمام مملکت کسی این اسم را اختیار نکرده باشد . بنده عرض میکنم ناموقعی که تراحم پیدا نشود که حرفی پیدا نمی شود . فرض کنید يك دادگر در طهران یکی در اصفهان و یکی از زنجان این اسم را گرفتند بعد که منکشف می شود هر که تقدم دارد مال او هست و ناموقعی که منکشف نشده مامترصد نیستیم که کسی تقییس کند که میفرمایند عملی نیست . خود آقای وزیر عدلیه هم باید بدانند که خودشان هم از این مسئله متضرر خواهند شد . در زنجان فرض بفرمائید يك داوری که دارای این مکارم اخلاقی نباشد يك کارهایی بکند آخر برای يك آقای وزیر عدلیه که میخواهد يك وزارتخانه را تصحیح کند بد است . بنظر بنده این مسئله ضرور است و باید اساسی منحصر باشد ولو بلا معنی و اساسی ترکیبی بجای کلمات گذاشت و این زحمتی ندارد و هر وقت هم تراحم پیدا شد تقدم با کسی است که اول ثبت کرده .

مخبر - البته نماینده محترم تصدیق میفرمایند که در

موقع عمل بيك اشکالانی بر خواهیم خورد . اگر بگوئیم کسی حق ندارد اسم فامیلی دیگری را اختیار کند این در عمل تولید اشکال خواهد نمود و نا اندازه غیر ممکن است و اگر بگوئیم حق دارد مثلاً کسی که در نبرز ساکن است اسم شخص دیگری را که از ولایت دیگری است انتخاب کند آنوقت دلیل ندارد که حق تقدم را برای فرزند کسی که این اسم را در طهران انتخاب کرده است قائل شویم بعلاوه در هر حوزه وسائل فراهم هست که جلو گیری از تکرار نام فامیلی بکنیم ولی برای تمام مملکت فراهم نیست . فرمایش ایشان خیلی صحیح و بموقع است ولی چیزی که هست وسائل نیست که در تمام مملکت تقدم معلوم شود رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . ماده چهارم

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۴ - از تاریخ تاسیس شعب سجل احوال در هر محل پدر یا مادر و قابله در مورد تولد و زوجین در مورد ازدواج و طلاق باید تولد یا ازدواج باطلاق را در ظرف ده روز از تاریخ وقوع در نقاطی که شعب سجل احوال تاسیس شده باشد کتباً بنظمیه و در نقاطی که نظمییه تاسیس نشده باشد بکدخدای محل اطلاع بدهند ادارات و مأمورین مزبور مکلف میباشد پس از تحقیق در صحت اطلاعات واصله مراتب را بمأمور سجل احوال مربوطه باسرع اوقات اطلاع داده و اولیاء اطفال یا اشخاصی را که برای آنها ازدواج و طلاق واقع شده رسماً از اجرای تحقیقات مطلع سازند که برای اخذ ورقه هويت و ثبت ازدواج و طلاق بدفتر سجل احوال مراجعه نماید

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با این ماده مخالفم بواسطه این است که

در ماده دوم در همه جا قائل شده است که این قانون در

مدت یکسال اجرا میشود یعنی هر کس مهلت دارد که نامدت یکسال برود ورقه سچل احوال بگیرد، آنوقت برای ازدواج و طلاق و تولد هیچ مدت نگذاشته اند و حال اینکه کسی که ورقه سچل احوال ندارد شاید مسبوق نشده که يك همچو قانونی گذشته و نمیتواند برود اطلاع بدهد عقیده بنده این است که در این موارد هم باید یکسال را قائل شد یا اقلاً باید قائل شد که از آن تاریخ که ورقه سچل احوال میگیرد تابع این قانون باشد مثلاً بنده تا امروز ورقه سچل احوال نگرفته ام سه ماه دیگر ورقه سچل خواهم گرفت در ظرف این مدت که هنوز ورقه سچل نگرفته ام اگر يك ازدواج یا طلاق برای من اتفاق افتاد مجبور نیستم اطلاع بدهم از روزی که ورقه سچل احوال دادند بدست این آدم از آن روز مکلف است که اگر اتفاقی برای او واقع شد اطلاع بدهد و الا تصور میکنم قابل اجراء نیست

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم اگر نظری دارند خوب است که در موقعش پیشنهاد کنند و بدهند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد میباید در ماده ۴ پس از تصویب این قانون در ابتدای ماده ۴ اضافه شود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - ماده چهارم طوری تنظیم شده که بنده تصور میکنم اگر يك ماموری بخواهد از آن سوء استفاده کند ممکن است یعنی بگوید دو سال است سه سال است سچل احوال تأسیس شده لذا بنده این پیشنهاد را کردم که (پس از تصویب این قانون مکلفند آنرا عمل کنند وزیر عدلیه - اینجا بنده تصور میکنم ماده را باید این طور اصلاح کرد که قدری روشنتر شود باین ترتیب که اینجا بگذاریم پس از يك سال از تاریخ تأسیس شعب سچل احوال در هر محل

ملک مدنی - بنده هم با این اصلاح آقای وزیر عدلیه موافقم

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم ماده ۴ باین طریق تنظیم شود از تاریخی که اشخاص ورقه سچل احوال تحصیل مییابند در هر محل پدر مادر الی آخر

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با اصلاحی که آقای وزیر عدلیه فرمودند کمال موافقت را دارم ولی عقیده ام این است که پس از یکسال از تحصیل ورقه سچل احوال باشد یعنی آن روز که بنده ورقه سچل احوال را گرفتم از آن روز اگر پیش آمدی کرد اطلاع بدهم این تصور میکنم عملی تر است وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم همان اندازه که اصلاح شد که یکسال بعد از تأسیس باشد آقا هم بهمان اندازه موافقت کنند

عدل - بنده هم موافقت میکنم

پیشنهاد آقای استرآبادی

بنده پیشنهاد میکنم از ماده چهار سطر اول کلمه مادر حذف و در سطر دوم کلمه زوجین مبدل بزوجه شود

رئیس - آقای استرآبادی

معتضد استرآبادی - در ماده هفت این قانون يك مجازاتی قائل شده برای کسانی که باید خبر بدهند و خبر نمیدهند و در ماده پنج نیز تکلیف دادن خبر وقوع عقد را بعهده مرد واگذار کرده. اینجا در ماده ۴ مینویسد از تاریخ تأسیس شعب سچل احوال در هر محل پدر یا مادر و قابله در مورد تولد و زوجین در مورد ازدواج و طلاق یعنی هم پدر مکلف است به خبر دادن از تولد هم مادر و اگر اتفاقاً مادر خبر نداد بموجب آن ماده که مجازات معین کرده باید مادرش مجازات شود و البته مادر قابل مجازات نیست. تکلیف خبر دادن را باید بعهده پدر گذاشت و اگر مادر خبر نداد زن قابل حبس نیست.

همچنین عین این ایراد نسبت بزوجهین وارد است. يك زنی اگر خبر نداد که من شوهر کرده ام با طلاق گرفته ام چگونه میشود او را حبس کرد؟ زن که مسئولیت و مجازات ندارد.

وزیر عدلیه - متأسفانه با این پیشنهاد بنده نمیتوانم موافقت کنم و معتقدم که هر دو یعنی زن و شوهر باید اطلاع بدهند. مگر زن تکالیف اجتماعی ندارد؟ چرا باید از این مسئله زسرید؟ پس خوب است آقا موافقت بفرمائید که مسئله بهمین ترتیب بگذرد.

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای مخبر راجع بآن اصلاح که شد موافقتند؟

مخبر - بلی

رئیس - رأی گرفته میشود ماده چهار با اصلاحی که آقای ملک مدنی کردند

یکی از نمایندگان - خوبست دوباره ماده قرائت شود (مجدداً ماده چهارم با اصلاح سابق الذکر قرائت شد)

رئیس - رأی گرفته میشود ماده چهارم با این اصلاح آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - در موقع ازدواج یا طلاق شوهر مکلف است ورقه که حاکی از وقوع عقد یا طلاق بوده و معرف زوجین باشد بامضای مجری صیغه رسانیده و برای ضبط در دفتر سچل احوال بنظمیه یا شعبات نظمییه یا کدخدا تسلیم نماید. ادارات و مأمورین مزبور باید پس از تحقیق در صحت مندرجات ورقه عین آنرا در اسرع اوقات بدفتر سچل احوال بفرستند

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده با این ماده موافقم ولی بد تنظیم شده است آن ورقه علیحده که نوشته باید بامضای زوجین برسد خوبست همان ورقه طلاق یا عقد نامه را بدهند ثبت کنند. این ترتیب بیشتر تولید اشکال میکند. که اول برود از ملا و شیخ ورقه صادر کنند.

عرض دیگر بنده در مورد طلاق است طلاق موقعی باید ثبت شود که فاطمیت پیدا کرده باشد. آقای مخبر خوبست توجه بفرمائید زیرا باید جواب بدهند. عرض کردم در مورد طلاق وقتی باید ثبت شود که موعود مقرره اش تمام شده باشد و قطعیت پیدا کرده باشد آنوقت اگر شوهر رجوع نکرد ثبت کنند و الا باین ترتیب بنده مخالفم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض کنم اصل ورقه عقد نامه را قدری مشکل است ببرند بداره سچل احوال زیرا باید ورقه در دست زن باشد که هر وقت خواست استفاده کند بتواند صدق خود را مطالبه کند. ما فقط میخواهیم وقوع ازدواج در دفتر سچل احوال ثبت شود دیگر نباید اصل ورقه عقد و ازدواج را در اداره سچل احوال بگذارند. اما راجع به قطعیت طلاق که فرمودند گمان میکنم حق بجانب آقای روحی است پیشنهاد کنند که بعد از قطعیت طلاق اطلاع بدهند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در آن ماده آقای مدرس يك اصلاحی کردند و بنده عقیده ام این است که اگر آقای وزیر عدلیه و مخبر يك قدری توجه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که آن اصلاح در اینجا هم وارد است در قسمت آخر ماده که نوشته (پس از تحقیق در صحت مندرجات ورقه عین آنرا در اسرع اوقات بدفتر سچل احوال بفرستند) پس از تحقیق در صحت مندرجات البته باید با مدرک باشد پس باید نوشته شود پس از تحقیق از روی يك مدرکی. این راجع به این عبارت. اما راجع بآن مسئله که آقای یاسائی و روحی بیان کردند چیز غریبی است. مگر ما نمیدانیم؟! طلاق چهار قسم است: طلاق خلعی - طلاق رجعی - طلاق مبارات طلاق بائن. همه اینها در دفتر سچل احوال باید درج شود. اگر طلاق رجعی داده پس از رجوع میباید اطلاع بدهد یعنی همین جوری که طلاق را اطلاع داده و ثبت کرده اند رجوع را هم ثبت می کنند پس این

اشکالی ندارد.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی .

(مضمون ذیل قرائت شد)

در ماده پنج بنصره ذیل را پیشنهاد می‌نمایم:

بنصره دوم - شوهر مکلف است در موقع طلاق

زوجه خود را اطلاع بدهد که طلاق قطعی شده باشد

و طلاق ناقاطعیت پیدا نکند ثبت نباید بشود

رئیس - آقای روحی

روحی - آقای آقا سید بقوب بنده هم کتب فقهیه را

خوانده ام و از شما هم خیلی بهتر میدانم باز هم عرض

میکنم که نا طلاق قطعی پیدا نکرده موردی ندارد که

ثبت شود . و از آقای مخبر تقاضا میکنم که این پیشنهاد

بنده را قبول فرمائید و الا اسباب زحمت برای مردم

خواهد شد

مخبر - نظر دوات و کمیسیون هم در این قضیه این

است که طلاق ناقاطعیت که قطعی نشده به ثبت نرسد در

اصل قضیه اشکالی نیست و موافقیم ولی خوب است آقا

موافقت فرمائید که در عبارت تغییری داده شود

رئیس پیشنهاد آقای آقا سید بقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه طلاق اضافه شود یا رجوع

آقا سید بقوب - چون نمیشود در این جا مطالب

علمی گفته شود استرداد میکنم

وزیر عدلیه - ممکن است پیشنهاد را بان ترتیب کنند

در خود ماده بنده عقیده ندارم چیزی نوشته شود ولی

ممکن است اضافه شود که پس از قطعی شدن طلاق به ثبت

خواهد رسید .

(همه نمایندگان)

عراقی - این معنی ندارد . طلاق همیشه قطعی است

رئیس - سطر اول ماده قرائت بشود نامعلوم شود

چه جور باید اصلاح شود .

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۵ - در موقع ازدواج باطلاق (پس از قطعی شدن طلاق) شوهر مکلف است

رئیس - رأی گرفته میشود به ترتیبی که قرائت

شد آقابانیکه . . .

(همه نمایندگان - صدای زنک رئیس)

عراقی - بنده تقاضای تجزیه میکنم

رفیع - بنده هم تقاضای تجزیه میکنم .

رئیس - چطور تقاضای تجزیه میفرمائید .

رفیع - بنده پیشنهاد میکنم قسمت در بین الهالابین

(پس از قطعی طلاق) حذف شود .

شیروانی - طلاق خلعی بنویسید .

بعضی از نمایندگان - خوب است آقای روحی مسترد بدارند

روحی - مسترد نمیدارم .

وزیر عدلیه - بنده پیشنهادی را که آقای روحی داده

بودند خواستم بیک شکلی در ماده ذکر شود و بعد از جمله اول

بطور مختصری گنجانده شود ولی حالا که می بینم آقابان

در این موضوع قطعی بودن و نبودن اشکالی میکنند

بنده از ایشان خواهش میکنم پیشنهادشان را پس بگیرند

و عبارت ماده بهمان طور سابق که بود باقی باشد ولی

عرض میکنم که پس از اینکه طلاق قطعی شد به ثبت

خواهد رسید . خوب است آقا بهمین توضیح قناعت کنند

و پیشنهادشان را پس بگیرند .

روحی - بسیار خوب .

رئیس - بهمان ترتیب سابق رأی میگیریم . آقابانیکه

با این ماده موافقت قیام فرمایند .

(جمع قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ششم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - در مورد فوت اطلاع دادن بدارت یا

مأمورین فوق الذکر باید در ظرف (۴۸) ساعت بعمل

آید یا دادن این اطلاع بعهده نزدیکترین اقربای حاضر

شخص متوفی و در صورت نبودن اقربای مذکور بعهده

سرپرست ساکنین خانه و در صورت نبودن سرپرست

بمعهده مستخدمین خانه ایست که فوت در آنجا واقع شده و مأمورین باید پس از تکمیل تحقیقات در اسرع اوقات مراتب را بمأمور سجل احوال اطلاع و اشخاص مذکوره در فوق را مطلع نمایند که برای اجرای ثبت واقعه بدفتر سجل احوال مراجعه کنند طبیب معالج و غسل و قابله در موقع ولادت طفل متوفی یا فوت مادر در موقع حمل نیز ملزم میباشند در ظرف ۲۴ ساعت واقعه را بدفتر سجل احوال اطلاع دهند .

مخبر - در سطر دوم کلمه « یا » زائد است و باید حذف شود

رئیس - آقای آقا سید بقوب

آقا سید بقوب - بنده در شور اول هم اظهار

کردم مسئله فوت و اطلاع از طرف نزدیکترین اقربا کار

مشکل و اسباب زحمتی است . زیرا در آنوقت خانواده

مشغول ناله و زاری هستند و بفکر اینکه اطلاع بدهند

نیستند . بنده آن دفعه عرض کردم که مأمورین دولتی

خودشان باید مکلف باشند که این نوع دقایق را ثبت

کنند نه اینکه يك پدر مرده یا پسر مرده که مشغول

گریه و زاری است مجبور باشد بروی اطلاع بدهد . در

این قسمت بنده مخالفم مادر هرچا نظمیہ داریم ، بلدیه

داریم ، مأمورین سجل در همه جا داریم چه ضرر دارد

که آنها مراقب این امر باشند و در هرچا که از این

قبیل اتفاقات رخ داده خودشان ثبت کنند که دیگر

محتاج نباشد مردم مصیبت زده این کار را انجام دهند .

مخبر - اگر تنها مسئله اطلاع دادن در کار بود ممکن بود با نظر سرکار موافقت کرد . ولی تنها این نیست

و يك چیزهای دیگری هم در کار هست . مثلاً با ایداد اشخاص

بروند اطلاع بدهند و در دفتر ثبت کنند و ورقه سجل

وهویت را بطل کنند از این جهت نمیشود این کار را بعهده مأمور

محول کرد و باید ولی یا نزدیک ترین اقوام شخص متوفی بروی

اطلاع بدهد و این يك چیزی نیست که مأمور خودش

انجام دهد

رئیس - آقای عدل

عدل - در مواد گذشته همه جا مینویسد اطلاع باید توسط نظمیہ یا کد خدا بعمل آید بنده از آقای وزیر عدلیه کتباً سؤال کردم که آیا ممکن است مستقیماً بعمل آید یا نه ؟ جواب بنده را ندادند حالا در آخر این ماده بر عکس مینویسد : طبیب معالج و غسل و قابله باید واقعه را کتباً در ظرف بیست و چهار ساعت اطلاع دهند اولاً بنده با قسمت ۲۴ ساعت مخالفم و این مدت را خیلی کم میدانم و اقل باید مدت را چهل و هشت ساعت قرار داد بعلاوه این کار غیر عملی است زیرا فرضا در شهرها بشود در ظرف بیست و چهار ساعت اطلاع داد ولی در دهات و قراء برف و باران است و هزاران موانع ممکن است پیش بیاید که اصلاً مردم نتوانند از خانه شان بیرون بیایند غسلی که ابتدا سواد ندارد چطور میتواند در ظرف بیست و چهار ساعت برود و بدفتر سجل احوال کتباً اطلاع دهد از این جهت بنده عقیده دارم اولاً لفظ (کتباً) را از این ماده باید برداشت زیرا در دهات و سائلس موجود نیست و نمی توانند کتباً اطلاع بدهند و از این گذشته بیست و چهار ساعت هم کم است و بعلاوه مثل مواد گذشته باید توسط نظمیہ یا کد خدای محل بدفتر سجل احوال اطلاع بدهند این عقیده بنده است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - وقتی که يك کسی از يك خانواده

میمیرد همه مشغول عزاداری هستند و حال و وقت اینکه

در مدت ۲۴ ساعت بروند اطلاع بدهند ندارند . و در

این ماده که این طور قرار گذاشته اند که در ظرف بیست و

چهار ساعت صاحب عزای مکلف است بروی فوت را اطلاع

دهد و اگر این مدت گذشت و زفت اطلاع بدهد مجازات

دارد . و هرچه این بیچاره بگوید من مشغول عزاداری

بودم گوش بگرفش نمیدهند از این جهت بنده این مدت

هارا خیلی کم میدانم و معتقدم اصلاً باید يك هفته وقت

قرار داد که اسباب زحمت برای مردم نباشد . زیرا مردم

چند روز اول گرفتار عزاداری و مجلس فائحه و ختم هستند

و باین کار بپردازد و اسباب زحمت خواهد بود
مخبر - صرف نظر از اینکه این قضیه فوریت دارد و باید
هرچه زودتر اطلاع داد. آقا باید تصدیق بفرمائید که
اقریای مصیبت برای اینکه تسلیت و انصراف پیدا کنند
هرچه زودتر بروند و اطلاع بدهند که قدری منصرف شوند
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

پیشنهاد میکنم نوشته شود در ظرف يك هفته.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - توضیح بنده همان بود که عرض کردم
حالا هم عرض میکنم که بیست و چهار ساعت باچهل و هشت
ساعت برای مدت اطلاع دادن خیلی کم است و امکان ندارد
که مردم بتوانند اطلاع بدهند بخصوص در دهات از
این جهت به عقیده بنده خوب است مدت را يك هفته
قرار بدهند.

وزیر عدلیه - این مدتی را که ما قرار گذاشته ایم در
زین مدتی است که در مسئله فوت ممکن است قرار داد
آقا میفرمائید صاحب عزا مشغول گریه است. خوب
اگر او فرضاً مشغول گریه است آخر يك همسایه با کس و
کار با يك بنده خدائی پیدا میشود که این کار را بکند
و اطلاع بدهد حکماً لازم نیست خودش برود اطلاع
بدهد يك کسی دیگر ممکن است از طرف او بیاید و اطلاع
بدهد. این مسئله اطلاع دادن را خوبی سهل تصور نفرمائید
در بعضی مواقع ممکن است اثرات اساسی داشته باشد و
بعضی از قضایائی است که هر چه زودتر باید معلوم شود
و اگر بنا شود هفت روز قضیه بگذرد تشخیص امرکار
مشکلی است و مقصود حاصل نمیشود. اطلاع اساساً باید
در ظرف بیست و چهار ساعت بعمل آید حالا ما رعایت
کرده ایم و چهار و هشت ساعت قرار داده ایم. و خود
شخص صاحب عزا هم مجبور نیست چنانچه عرض کردم
اطلاع بدهد ممکن است يك نفری از طرف او اطلاع
بدهد و این اشکالی ندارد

رئیس - کمان می کنم چند دقیقه باید نفس

نحمیل کنیم ولی این یکی از چیزهایی است که در
ضمن مخارجی که برای مجلس معین شده پیش بینی شده
و در جزو بودجه خود مجلس و از صندوق خود مجلس
تأدیه میشود پس ربطی بدولت ندارد ولی چیزی که
هست این است که بنده در جلسه خصوصی متذکر شدم
و آقای ارباب هم متذکر شدند که بالصد تومان از این
مبلغ صرفه جوئی شده یعنی مخارجی را که اداره مباشرت
همه ساله میکرده زیاد دانست و بالصد تومان کسر کرده اند
علاوه بر این. هیئت دولت مسؤلیت مشترک دارند آقای
وزیر عدلیه در این جا حضور دارند و کمان نمی کنم
مخالف باشند.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - نظر بنده همان بود که آقای عراقی در آخر
بیاناتشان فرمودند که پانصد تومان کمتر تصویب شده و
راپورنی هم بمبلغ دو هزار و چهار صد تومان برای این
کار تهیه کرده بودند که حاضر است.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - چون در این پیشنهاد نوشته شده که
روز ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ روزه خوانی خواهد شد و این
از اوقاتی است که مدت قانون مجلس در شرف انجام است
و بنده تصور میکنم کارهای لازم ری اقتضا کند که
جلسات فوق العاده هم باشد از این جهت بنده با اقامه
عزا داری در این اوقات موافق نیستم و عقیده ام این است
که بماند برای آخر ماه.

در جلسه خصوصی هم مذاکره شد که تا آخر ماه
بگو کسی هم مخالف نبود (بعد از مدتی نامی)
رئیس - عده برای اخذ رأی کافی نیست. در خارج
هم کسی نیست که بیاید

دادگر - بنده در جلسات عرض دارم.

(پیشنهادی از طرف آقای دادگر بشرح ذیل خوانده شد)

متمنی است صبح چهارشنبه ۱۷ اسر داد و صبح

شنبه ۲۰ و صبح دو شنبه ۲۲ اسر داد علاوه بر جلسات

عادی امر به تشکیل جلسه نمائید.

بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست

دادگر - اگر کسی مخالف نیست بنده عرضی ندارم

وزیر عدلیه - اولاً بنده خواستم تشکر کنم و بعد

از آقایانی که حاضرند نما دارم به آقایانی که حاضر نیستند

تذکر بدهند و باد آوری بکنند که وقت تنگ است و باید

مجلس حقاً برای کارهای مهمه در این چند روزه تشکیل شود

تا این چند لایحه مهمی که باقی مانده بامساعدت آقایان بگذرد

خیلی خوشوقتم از اینکه حالا کسی مخالفت نکرده ولی نما

دارم آقایان حقیقتاً تشریف بیاورند و موافقت کنند که

جلسه تشکیل شود و لواح بگذرد.

عدل - خوب است توضیح بدهند که چه روز هائی است؟

رئیس - روز ها را نوشته اند: صبح چهارشنبه ۱۷

اسرداد، صبح شنبه ۲۰ اسرداد صبح دو شنبه ۲۲

علاوه بر جلسات معمولی ولی چون عده برای اخذ رأی

کافی نیست مینماید برای روز چهارشنبه قبلاً جلسه خصوصی

منعقد میشود بعد میآئیم به جلسه علنی.

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)